

پیشگفتار

به دنبال انتشار کتابهای «درآمدی بر اقتصاد اسلامی» و «مبانی اقتصاد اسلامی»، مبحث «پول» در اقتصاد اسلامی، در دستور کار دفتر همکاری حوزه و دانشگاه قرار گرفت، تا براساس موازین اسلامی مورد بررسی و تدقیق قرار گیرد.

در این ارتباط، مطالب اولیه توسط آقای دکتر داوودی تهیه و در جلسات گروه اقتصاد دفتر، با حضور حضرت آیه‌الله سید محمود هاشمی - دام‌ظله - مطرح شد، و با رهنمودهای ارزنده ایشان، زمینه تکمیل مباحث فراهم گردید. سپس گروه دو اقتصاد دفتر، تنظیم و تکمیل مسائل القا شده را با نظارت حجة الاسلام والمسلمین مصباحی به عهده گرفت، و در نهایت آنها را به صورت جزوه، درآورد. در مرحله سوم، با تشکیل جلسات مستمر (توسط یک کمیته پژوهشی و با حضور و اشراف آقای دکتر داوودی)، مباحث گذشته مورد تهذیب و بازنگری همه جانبه قرار گرفت، و تدوین نهایی انجام پذیرفت. به رغم طی شدن مراحل سه گانه یاد شده در تهیه این کتاب، هنوز بر این باوریم که مجال بحث و بررسی بیشتری در این زمینه وجود دارد. امید است که در فرصتهای آتی توفیق با ما یار شود، و با بهره‌گیری از پیشنهادها و انتقادهای صاحب‌نظران حوزوی و دانشگاهی، این اثر را کاملتر کنیم.

در اینجا از همه پژوهشگرانی که در مرحله اول و دوم با ما همکاری داشته‌اند، و همچنین از آقای دکتر داوودی که مسئولیت کلیه مراحل تهیه و تنظیم را به عهده داشته‌اند، و نیز از حجة الاسلام والمسلمین آقای نظری و آقای سیدحسین میرجلیلی که در بازنگری مرحله سوم و تدوین نهایی بخشهایی از این مکتوب، همکاری چشمگیر داشته‌اند، تشکر و قدردانی می‌شود. رجای واثق داریم، همان‌گونه که مقام معظم رهبری فرمودند، «با همکاری حوزه و دانشگاه، علم دین با بصیرت دنیا و علم دنیا با جهت‌گیری دینی توأم شود.»

«دفتر همکاری حوزه و دانشگاه»

مقدمه

مجموعه نتایجی که بر اساس مبانی اسلامی از تحلیلهای اقتصادی حاصل می‌شود - خواه با نگرش علمی باشد و خواه با نگرش حقوقی و دستوری - اقتصاد اسلامی را تشکیل می‌دهد. این مباحث و نظریات، در دو زمینه «اقتصاد کلان» و «اقتصاد خرد» مطرح است. در اقتصاد کلان، کلیه تحلیلهای علمی و حقوقی و ارزشی و دستوری، در ارتباط با عملکرد متغیرهای اقتصادی کل جامعه و اهداف حرکت اقتصادی جامعه، مورد بحث قرار می‌گیرد. در اقتصاد خرد، کلیه تحلیلهای علمی و حقوقی و ارزشی و دستوری، در ارتباط با یک واحد اقتصادی (اعم از خانوار یا بنگاه) مورد بررسی قرار می‌گیرد، و در این زمینه، عملکرد بازارهای خاص و نیز مسأله تخصیص منابع و کالاها مطرح می‌شود.

وقتی از تقسیم‌بندی اقتصاد به خرد و کلان سخن می‌رود، صرفاً تقسیم‌بندی یک سلسله قوانین صد در صد محاسباتی و فنی و ریاضی مد نظر نیست، بلکه سخن از دو قلمرو بحث است که در آن عوامل تشکیل دهنده یک نظام اقتصادی، خود را نشان می‌دهند. در علم اقتصاد، مباحث غالباً به دو دسته تقسیم می‌شوند: مباحث فنی و محاسباتی و مباحث رابطه‌ای و علت و معلولی. مباحث نوع اول (که در اقتصاد بنیاد کاربرد دارد مانند محاسبات درآمد ملی یا تولید ناخالص ملی) بر مبانی ارزشی، حقوقی و مکتب یا جهان‌بینی مبتنی نیست و بر شکل کلی آن هر جهان‌بینی یا مکتبی صحه می‌گذارد. البته مفاهیم و بینشهای برخاسته از ارزشهای یک مکتب، در نهایت مشخص خواهد کرد که استفاده از کدام روش محاسباتی لازم است یا لازم نیست و نیز کدامیک از محاسبات جدید که تاکنون انجام نمی‌شده است، هم‌اکنون باید انجام شود. مثلاً برای اندازه‌گیری سطح رفاه جامعه باید شاخص MWE به جای شاخص GNP به کار گرفته شود و یا با محاسبه مالیاتها در چارچوب نظام سرمایه‌داری، به محاسبه تعداد احشام (گوسفند و گاو و شتر) هر مالک و تقسیم‌بندی این تعداد، مثلاً به ۴۰، ۱۲۰، ۲۰۰، ۳۰۰ و ...

برای هر فرد نیاز نیست. ولی در نظام اسلامی برای محاسبه زکات این تقسیم‌بندی‌ها حائز اهمیت است. در این کتاب این نوع مباحث از اولویت برخوردار نبوده و به آن پرداخته نمی‌شود.^۱

مباحث نوع دوم که به تبیین روابط علت و معلولی می‌پردازد، خود به دو دسته تقسیم می‌شود. دسته اول مباحث روابط علت و معلولی مستقل از چارچوبهای ارزشی و مبانی حقوقی که همانند روابط محاسباتی در هر مکتبی صادق بوده و به مبانی یک مکتب خاص متکی نیست. این نوع روابط عمدتاً ناظر به رفتارهایی است که جنبه تکوینی دارد و ارادی و اختیاری نیست. دسته دوم، روابط علی و معلولی برخاسته از چارچوبهای حقوقی، ارزشی یا فلسفی معین است. کلیه رفتارهای اختیاری و ارادی انسان اعم از رفتارهای انفرادی و اجتماعی، در این مجموعه قرار دارد، بدیهی است که اختلاف مکتبها این نوع رفتارها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و هر مکتبی مجموعه رفتارهای اختیاری متناسب با خود را در صحنه جامعه به وجود می‌آورد؛ بر این اساس در این کتاب به این نوع روابط اولویت داده شده است و مباحث فنی و محاسباتی و یا روابط علی تکوینی اگر مورد بحث قرار گیرد جنبه تبعی خواهد داشت. زیرا مفاهیم به دست آمده از فعالیت‌های اختیاری و ارادی انسان مسیر مباحث فنی و محاسباتی را مشخص می‌کند. مثلاً حرمت ربا که از مبانی مهم نظام اقتصاد اسلامی است پس‌انداز و سرمایه‌گذاری در جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. شکل‌گیری و نحوه تملیق سرمایه و کار در امر تولید، در نظامی که ربا در آن حذف شده از مباحثی است که در این دسته قرار می‌گیرد و به بررسی آن خواهیم پرداخت.^۲

۱. پی‌جویی نظر اسلام نسبت به این دسته از مباحث علمی بی‌معنی است، مانند اینکه بگوییم نظر اسلام درباره حل معادلات دو مجهولی چیست؟ چرا که اسلام نسبت به این دسته از مسائل نفیاً و اثباتاً نظر ندارد. به عبارت دیگر، رسالت اسلام اقتضا ندارد در این موضوعات که عقل بشر توانایی لازم برای انجام آنها را داراست مطلبی ارائه کند.

۲. شاید بتوان گفت که مهمترین و حساسترین بخش مباحث تحلیلی اقتصاد اسلامی، بدست آوردن آن دسته از روابط اقتصادی است که در چارچوب نظام اقتصاد اسلامی شکل می‌گیرد، و مکانیزمهای این نظام مقدس را در یک جامعه اسلامی مشخص می‌کند.

بحث و بررسی این دسته از روابط، مبتنی بر قبول مبانی فقهی و ارزشی مکتب اقتصاد اسلامی است که در بخش اول این مباحث، بتفصیل مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در این بخش باید این —

بعضی از اقتصاددانان، مدعی هستند که کلیه روابط مورد بحث در اقتصاد، از دو نوع اول است؛ یعنی یا از نوع محاسباتی، یا از نوع مطالعه رفتارهای انسان است که جنبه علمی دارد و از مبانی ارزشی و مکتبی مستقل است، شاید به همین دلیل است که آن را «علم اقتصاد» نامیده‌اند.

هدف از کاربرد واژه «علم»، اشاره به این نکته است که آنچه تحت این عنوان می‌آید، بیان واقعیهایی است که صرف نظر از مبانی مکتبی و ارزشی و حقوقی، در خارج تحقق می‌یابد؛ ولی باید به این نکته اشاره نمود که بسیاری از روابط مورد بحث در اقتصاد از نوع روابط مستقل، از چارچوبهای ارزشی مکتبی نیستند. اگر علم را به معنای توضیح و تبیین واقعیهها و پدیده‌های خارجی بدانیم، شاید نتوانیم از اقتصاد به عنوان علم نام ببریم؛ چون آنچه در باب توضیح واقعیههای خارجی در اقتصاد آمده است، معمولاً مربوط به اقتصاد نیست، بلکه وام گرفته از علوم دیگر است؛ مثلاً: قانون بازده نزولی، یا رابطه تکنولوژی با تولید، یا مسأله تقسیم کار و تخصص، برگرفته از علوم طبیعی و تجربی است. البته اگر منظور از علم، مجموعه نظریه‌هایی باشد که با ملاحظه پیشفرضهای خاصی در مورد رفتارهای انسان شکل گرفته است، در صورت پذیرش این رفتارها (تحت همان شرایط مفروض)، می‌توان آنها را تبیین و پیش‌بینی کرد. بر این اساس می‌توان اقتصاد را علم دانست، و در عین حال معتقد به تأثیر پذیری نظریه‌های علمی از مبانی ارزشی و مکتبی بوده؛ اما نکته‌ای که در اینجا باید به آن توجه کنیم این است که علاوه بر مطالب فوق، ما مدعی هستیم که پیشفرضها مطرح شده در نظریه‌های اقتصادی صحیح نیست و بسیاری از عوامل مؤثر در رفتارهای انسان را در نظر نمی‌گیرد؛ به همین دلیل، این نظریه‌ها بعد از مدت کوتاهی و با مختصر تغییر در شرایط اجتماعی و فرهنگی، نقض شده و عدم توانایی و شایستگی خود را در توضیح و پیش‌بینی رفتارهای اقتصادی انسان یا واحدهای اقتصادی نشان می‌دهد.

→ مسأله بررسی شود که بر اساس این مبانی، چه روابط جدیدی به وجود خواهد آمد، و چه پدیده‌های اقتصادی در پرتو آن چگونه شکل گرفته و در خارج تحقق می‌یابد. مثلاً: یکی از مبانی بسیار مهم فقهی، حرمت ربا و ممنوعیت گرفتن هر نوع بهره در قرض دادن است. حال باید بررسی کرد که با توجه به این حکم و پس از اجرای دقیق آن در جامعه اسلامی، آیا مسأله پس انداز و سرمایه‌گذاری و توزیع درآمد و... در این جامعه به همان شکلی که در جوامع سرمایه‌داری مطرح است، باقی خواهد ماند یا شکل دیگری به خود خواهد گرفت.

بنابراین با توجه به تعریف اول «علم اقتصاد اسلامی» عبارتی نامفهوم خواهد بود؛ چون روابط تکوینی و قطعی اقتصادی، به مبانی مکتبی و ارزشی ارتباط ندارد. چنانکه گفته شد، به این معنا اقتصاد را نیز مشکل بتوان علم شمرد. البته در اقتصاد کنونی در میان نظریات مختلف، بندرت می‌توان با چنین نظریه یا برداشتی از اقتصاد یا از رفتارهای اقتصادی انسانها یا واحدهای اقتصادی مواجه شد؛ ولی بر اساس دومین تعریف از علم، البته می‌توان «علم اقتصاد اسلامی» را مطرح کرد، که مسلماً شامل مجموعه نظریاتی خواهد بود که رفتارهای اقتصادی انسانها و شکل‌گیری و روند نهادهای اقتصادی جامعه را (با توجه به تأثیر پذیری از بینشها، ارزشها و مبانی حقوق اسلامی) مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد.^۱

از آنجا که تئوریهای جدید کلان، در تعادل، اشتغال و ثبات اقتصادی، بیشتر متوجه سیاستهای پولی است، و از سوی دیگر امروزه اقتصاد (در همه ابعاد خود) با پدیده پول، اعتبار و مسائل مربوط به عرضه پول و سیاستهای پولی و مالی مرتبط است، مکانیزم ایجاد بدهی و اعتبار به معنای وسیع آن، بنیان مسائل اقتصادی را چنان تحت تأثیر خود قرار داده است، که بی‌شک درک صحیح پدیده‌های اقتصادی، بدون کاوش دقیق و ژرف این مکانیزم، در قالب کلی مباحث مربوط به پول، اعتبار و بانک، امکانپذیر نخواهد بود.

۱. برای آگاهی بیشتر، نگاه کنید به: «مبانی اقتصاد اسلامی» و «علوم انسانی از دیدگاه ما»؛ از تألیفات دفتر همکاری حوزه و دانشگاه.